

## پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب\*

### اشاره

فصلنامه پاسخ با توجه به رسالت مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) یک بخش از نشریه را به درج تعدادی از پرسش‌ها و شبهات مطرح در موضوعات مختلف که در گروه‌های علمی این مرکز بررسی و پاسخ‌داده شده اختصاص می‌دهد. در این بخش به اختصار حاصل برخی از این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران محترم و مخاطبان عزیز نشریه پاسخ ارائه می‌گردد.

### شبهه اول

۱. به گمان من طبق شواهد متعدد، اتفاقاً در نگاه به زنان بی‌حجاب، مردان سزاوار توبیخ‌اند. به عبارتی اگر زنی حجاب نداشته باشد و مرد به زن نگاه زننده و خاصی کند، نگاه مرد سزاوار توبیخ و تذکر بوده یا حداقل در اولویت است.

۲. حال آیا در جامعه ما که اولاً مناقشات زیادی پیرامون شرعی بودن حجاب امروزی وجود دارد، ثانیاً فقیهان متعددی پوشش برخی از اندام زنان مانند موی و گردن یا بخش‌هایی از بازو و ساق پا را واجب ندانسته‌اند ولی نگاه ناپسند را تمام فقیهان حرام شرعی می‌دانند، ثالثاً زنان به هر دلیلی نمی‌خواهند پوشش شرعی داشته باشند، رابعاً بنا به فراز «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَّ فَلَا يُوَدِّينَ» در آیه ۵۹ سوره احزاب در انتخاب پوشش و میزان آن

---

\*. گروهی از پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)، گروه حقوق.

مختارند، آیا باید صرفاً زنان توبیخ شوند و از بالاتر یا حداقل موازی (نگاه مردان) چشم پوشید؟ درحالی که این مستندات نشان می‌دهد اولویت، توبیخ مردانی است که به زنان نگاه ناپسند دارند. به نظر می‌رسد نگاه مردسالارانه به حجاب، باعث چنین تبعیضی است.

### پاسخ

هرکدام از زن و مرد وظیفه خاص خودش را دارند و در قرآن، وظایف ایشان به تفکیک بیان شده است. نمی‌توان وظیفه هر کدام از ایشان را به گردن دیگری انداخت و دنبال مقصر بود بلکه باید به دنبال اجرای کامل وظایف هر کدام بود. خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: "قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ"؛ یعنی وظیفه واجب مردان این است که از نگاه‌های گناه آلود به زنان دوری کنند؛ چراکه صلاح شخصی خودشان و نیز صلاح اجتماع در همین کنترل نگاه است. توضیح اینکه: اگر مردی نگاه خودش را کنترل نکند، خودش اذیت شده و دچار تشویش روحی می‌گردد و فرقی هم نمی‌کند که مجرد باشد یا متأهل! برخی با این ذهنیت هستند که مثلاً اگر فردی متأهل باشد، اذیت نمی‌شود پس یک دل سیر نگاه کند! درحالی که این تفکر اشتباه محض است و برهیچ بانصافی این مسئله پوشیده نیست.

توجه: کنترل نگاه به معنای بستن چشم نیست؛ بلکه همانطور که از کلمه "غ ض ض" بدست می‌آید، به معنای پایین‌انداختن چشم است.

صلاح اجتماع هم در کنترل نگاه مردان است.

توضیح اینکه: اگر مردان در جامعه از تجاوز و نگاه‌های آلود به زنان جلوگیری کنند، امنیت برای دختران و زنان در جامعه برقرار خواهد شد و هیچ کس جرأت تعدی پیدا نخواهد کرد. اگر نگاه‌های مردان کنترل شود، تمرکز مردان فقط بر روی کار خودشان و ارتقاء روزافزون آن خواهد شد، نه اینکه برای تخلیه شهوت خودشان دست به اعمال منافی عفت بزنند.

بعد از بیان وظیفه مردان در جامعه، خداوند متعال در ادامه سوره نور (آیه ۳۱) به وظیفه زنان می‌پردازد و می‌فرماید: "وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا" وظیفه زنان این است که اولاً، همانند مردان نگاه‌های خودشان را کنترل کنند؛ ثانیاً، عفت و حیا را به‌طور کامل رعایت کنند؛ چراکه از

یک زن بی‌حیا می‌شود، یک جامعه‌ای را بی‌حیا کرد و این بسیار ارزشمند است؛ ثالثاً، وظیفه بسیار مهم زنان، مسئله پوشش است؛ اگر زن، به پوشش خویش اهمیت ندهد و زیبایی‌هایی که نعمت خداوند به او بوده را رایگان عرضه کند، یک جامعه‌ای را به هم خواهد ریخت و موجب تشویش روح مردان و حتی روح خودش هم خواهد شد. اگر زنی خودش را در معرض دید عموم مردم بگذارد، شخصیت خودش را پایین می‌آورد و نگاه‌های آلوده را برای خودش خواهد خرید.

دلایلی که مستشکل برای محکوم کردن مردان و نادیده گرفتن وظایف زنان آوردند، کاملاً مخدوش است؛ چراکه زبان هیچ‌کدام از ادله‌ای که آورده شده، زبان انحصاری نیست بلکه امام علیه السلام در آن موارد، در مقام بیان وظایف هر کدام از مردان هستند؛ یعنی به عبارت ساده، امام علیه السلام مثلاً به علی بن سواد می‌فرماید تو وظیفه خودت را درست انجام بده، آن زن هم باید درست انجام دهد و یا حتی می‌توان گفت که شاید در آن واقعه، آن زنی که مورد توجه بوده، حجاب خودش را کامل رعایت کرده ولی قلب مریض برخی مردان باز هم به دنبال چشم‌چرانی بوده باشد که امام معصوم علیه السلام در این مقام آن مرد را به غضّ نظر امر کردند.

### شبهه دوم

۱. سهم زن ایرانی کجاست؟ چرا با وجود این همه حوزه‌های علمی‌خاوران، شاهد حضور زنان در جامعه دینی نیستیم؟ چرا با وجود تشکلات دارالقرآن در جای‌جای کشور یک قاری زن نمی‌شناسیم؟ چرا با وجود زنان تحصیل‌کرده مذهبی در هیئات و حسینیه‌ها و حتی در مجالس ختم شاهد سخنانی آنها نیستیم؟ اکنون قشر زنان و دختران مذهبی طبقه متوسط خواستار تغییر عینی و ملموس ساختار مردانه جامعه مذهبی ایرانی است که هرچقدر این تغییر آهسته‌تر انجام شود، احتمالاً، جذابیت الگوهای غیرایرانی به کم‌رنگ شدن هویتی فرهنگ اسلامی - ایرانی منجر خواهد شد.

۲. مسجد به‌عنوان عینی‌ترین ساخت دینی محیطی کاملاً مردانه است که زنان طفیلی این ساخت محسوب می‌شوند و حتی در میان هیئت امنای مساجد نه تنها حضور ندارند که حتی مطالبه حضور نیز در نظر «اهالی مسجد» کمی نابهنجار به نظر می‌آید. اعطای سهمی از مساجد کشور به زنان یا اجازه تأسیس مسجد زنانه می‌تواند فضایی را برای زنان روحانی

ایجاد کند که امام جماعت نماز برای زنان نمازگزار باشند، سخنرانان زن محیطی برای ایراد سخن پیدا می‌کنند، قاریان زن می‌توانند - فارغ از فتاوی متفاوت در مورد صدای تلاوت زنان - قرآن بخوانند، و از همه مهمتر زنان و دختران مذهبی محیطی برای گفتگو و دریافت معنویت همچون ریسمانی برای پیوند خود با دین پیدا می‌کنند.

۳. مسیر دیگری که کشورهای اسلامی در ساختار قدرت طی کرده‌اند، حضور زنان در مناصب سیاسی است که در این مورد سخن فراوان است. اما در نظام حقوقی سیاسی ایران دو جایگاه وجود دارد که زنان نه تنها حضور ندارند بلکه مطالبه آن نیز جز در معدود جمع‌های دانشگاهی اصلا وجود ندارد. جایگاه اول شش فقیه شورای نگهبان است که طبق اصل ۹۱ قانون اساسی، ویژگی مرد بودن شرط ورود به این جایگاه نیست و جایگاه دوم نمایندگی در مجلس خبرگان رهبری است که در این مورد نیز ممانعت قانونی وجود ندارد.

#### پاسخ

۱. در مرتبه اول باید بگوییم که اصل ادعای مستشکل مورد خدشه است؛ چراکه ایشان می‌گویند شاهد کم‌رنگی حضور زنان هستیم. درحالی که آنچه دیده می‌شود حضور پررنگ ایشان است؛ چراکه در بعضی مساجد، برخی از زنان هیئت امنا هستند! کم‌رنگ شدن در بعضی مساجد محل، دلالت بر کم‌رنگ شدن در همه مساجد ندارد. پس در این زمینه نمی‌توان به‌طور کلی نتیجه گرفت و اشکال وارد کرد.

۲. نکته مهمی که باید بدان اشاره کنیم این است که در مسئله ورود زنان به اجتماع سه حالت وجود دارد: الف) متضمن امر حرام است، مثل خوانندگی زن در صورت مفسده؛ ب) متضمن حرام نیست ولی در عرف آن جامعه مذموم است، مثل امام جماعت شدن زن؛ ج) نه حرام است و نه در عرف مذموم است، مثل اینکه یک زنی وزیر شود یا رئیس سازمانی شود و... .

باتوجه به سه حالت فوق، باید موارد را از یکدیگر تفکیک کرده و به همه آنها با یک دید کلی نگاه نکرد؛ چراکه مثلا ممکن است یک مسئله‌ای حرام نباشد ولی در عرف چنان زشت باشد که موجب ضربه به دین شود (که غالبا امور زنان در جامعه این‌گونه است). ورود زن به مجلس خبرگان اولاً نیازمند سواد بسیار بالاست درحالی که عدد مجتهدان بین زنان پایین است و ثانياً چه بسا عرف آن را نمی‌پسندد و مذمت عرف از اهمیت بالایی برخوردار است.

توجه به عرف در سیره معصومین علیهم‌السلام از اهمیت بالایی برخوردار بوده است به طوری که طبق عرف زمانه خودشان می‌زیستند مانند داستان معروف لباس فاخری که امام صادق علیه‌السلام پوشیده بودند و برای یکی از زاهدنمایان سؤال شد که چگونه شما لباس گران قیمت می‌پوشید در حالی که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام لباس خشن می‌پوشیدند؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمانی زندگی می‌کرد که بیشتر مردم تنگدست و فقیر بودند. ایشان هم مناسب همان اوضاع لباس می‌پوشید. ولی امروز اوضاع به گونه‌ای دیگر است؛ نعمت فراوان است و عموم مردم در رفاه هستند. در چنین روزگاری، خوبان و پرهیزکاران برای بهره‌مندی از نعمت‌های پروردگار، از همه سزاوارترند.»

آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»؛ (اعراف: ۳۲)؛ (ای رسول ما؛ بگو چه کسی زینت و روزی‌های پاکیزه را که خداوند در اختیار بندگانش قرار داده، حرام کرده است؟)

سپس فرمود: «گذشته از این، من این لباس گران‌بهایی را که تو می‌بینی، برای مردم پوشیده‌ام و در زیرش لباسی زبر و خشن و ارزان به تن دارم.» امام لباس گران‌بهایش را کنار زد و جامه خشن و زبری را که در زیر به تن داشت، به سفیانی نشان داد. سپس برای افشای چهره حقیقی سفیان، لباس خشن و ارزان او را کنار زد و لباس نرم و لطیفی را که در زیر پوشیده بود، نشان داد و فرمود: «تو این لباس خشن را برای فریب مردم پوشیده‌ای و لباس نرم و لطیف را که برایت خوشایند است، زیر آن پوشیده‌ای.»

درکنار تمام این نکات، به هیچ‌وجه نباید از رسالت زن در تربیت جامعه غافل شد. زن، نقش اساسی در تربیت فرزند دارد؛ فرزندی که قرار است در جامعه آینده نقش‌آفرینی کند. این رسالت برای زن همیشه باید در اولویت باشد و هر آنچه که موجب کم‌رنگ شدن این کار مهم او شود، قطعاً باید کنار گذاشته شود.

### شبهه سوم

۱. چه دلیلی بر حجاب اجباری دارید؟ اگر مدعی شرعی بودن حجاب اجباری هستید، کدام آیه یا حدیث بر آن دلالت دارد؟ و اگر مدعی عرفی بودن آن هستید، طبق کدام عرف به حجاب اجباری روی آورده‌اید؟ آیا حجاب در تمام کشورهای جهان و حتی آیا در تمام

کشورهای مسلمان اجباری است؟ و اگر مدعی عقلی بودن حجاب اجباری هستید، کدام دلیل عقلی بر حجاب اجباری وجود دارد؟

۲. مگر در اسلام بدعت، حرام شمرده نشده و مگر بدعت عبارت از چیزی نیست که در اسلام سابقه نداشته است؟ حجاب اجباری در اسلام چه سابقه‌ای دارد؟ نیز در چه زمانی حفظ حجاب برای پیرزنان و زنان غیرمسلمان و حتی زنان مسلمانی که عادت به حفظ حجاب ندارند، واجب شمرده شده بود که اکنون بر آنان هم اجبار می‌شود؟

۳. اگر غرض از آن، حفظ یا تقویت دین است، آیا يك نظرسنجی علمی صورت گرفته که حجاب اجباری به حفظ یا تقویت دین کمک کرده است؟ آیا در کشورهای اسلامی دیگر که حجاب اجباری نیست، دین از بین رفته است؟

۴. اگر غرض از آن، حفظ و تقویت نظام است، چگونه با پرداختن به امری که اکثریت مردم با آن مخالفت دارند و نفرت و اعتراض آنان را بر می‌انگیزد، در مقام حفظ و تقویت نظام هستید؟

۵. آیا حجاب اجباری باعث برانگیختن نفرت مردم کشور و جهان بر ضد اسلام نمی‌شود و آیا منفور ساختن اسلام نزد مردم کشور و جهان به لحاظ شرعی حرام شمرده نمی‌شود؟

۶. آیا وقتی خود مردم دلیل قانع‌کننده‌ای برای حفظ حجاب نداشته باشند، با اجبار می‌توان آنان را به رعایت آن واداشت؟ و آیا اگر اکثریت مردم با حجاب اجباری مخالف باشند، موفق خواهید شد، حجاب اجباری را ادامه دهید؟ آیا مطمئن هستید که حجاب اجباری همان سرنوشتی را پیدا نخواهد کرد که برداشتن اجباری دیش‌های ماهواره پیدا کرد؟

### پاسخ

۱. حجاب، دلیل شرعی دارد، نه عرفی؛ چراکه در قرآن کریم خداوند به زنان امر به پوشاندن مواضع خودشان کرده است، می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)؛ زنان به جز آنچه که از آن ظاهر است (مثل مچ دست) زینت خود را آشکار نکنند و روسری‌هایشان را طوری بپندازند که همه بدنشان را فراگیرد.

۲. باتوجه به تاریخ حکومت پیامبر اکرم ﷺ در مدینه و نیز آیات قرآن، مسئله حجاب بین مسلمانان متداول بوده و همواره مورد تأکید خدا و رسول ﷺ بوده است. بنابراین ادعای بدعت و... برای این موضوع به‌هیچ عنوان صحیح و قابل انطباق با موضوع مدنظر نیست؛

چراکه بدعت؛ یعنی داخل کردن یک امری در دین با توجه به اینکه آن موضوع در دین نیست درحالی که چارچوب قوانین حجاب از همان اوایل اسلام تنظیم شده بود.

۳. غرض از حجاب، صرف الزام و به تعبیر عوام، زوری بودن نیست. بلکه یک هدفی دارد و آن، حفظ حقوق همه مردم جامعه است؛ علاوه برآن، حفظ آرامش روانی جامعه در گرو جامعه‌ای سالم است. وقتی زنان بخواهند با هر مدل لباس و تیپ در خیابان‌ها رفت و آمد کنند، قطعاً جامعه دچار تشویش ذهنی و... خواهد شد و این مطلب طبق تجربه ثابت شده است. پوشش مخصوص زنان نیست، بلکه مردان هم باید طبق حدود متعارف لباس بپوشند؛ چراکه جامعه محترم است و موجب تربیت افراد می‌باشد.

۴. قانون در هر جامعه‌ای الزام‌آور است و طبق میل کسی تغییر و تحول پیدا نمی‌کند. حجاب هم به‌عنوان یک قانون شرعی، باب میل کسی تنظیم نشده است بلکه یک امر الهی است و تبعیت از آن لازم و واجب است. بنابراین اگر کسی خلاف آن عمل کند، خلاف مقررات عمل نموده و مستحق مجازات خواهد بود.

۵. قانون حجاب دارای اصول، قواعد، مقدمات و موخرات است که اگر به‌طور کامل رعایت نگردد، موجب تنفر عمومی می‌شود، مثلاً برای اشخاصی که کشف حجاب می‌کنند، اول باید تذکر لسانی با رویی خوش و همراه با مهربانی داده شود؛ در مرحله دوم اگر دوباره اتفاق بیفتد، هشدار توسط پلیس تا سه مرحله همراه با جریمه نقدی و اگر باز هم دوباره تخلف صورت بگیرد، مجازات بسیار سبک (درجه ۷ و ۸) در نظر گرفته می‌شود.

۶. برای قوانین شرعی و یا هر قانونی، چرایی و اما و اگر معنا ندارد؛ زیرا قانون شرع صادرشده از خداوند حکیم است که تمام مصالح و مفاسد انسان‌ها را بهتر از خودشان می‌داند. البته پشتوانه آن دلایلی وجود دارد که هر انسانی با تحقیق می‌تواند بدست بیاورد و قانع بشود؛ لیکن تبعیت از قوانین الهی متعلق به اقناع بندگان نیست بلکه اقناع شدن، جنبه فرعی دارد.

### شبهه چهارم

۱. محرم بودن که بیان شیء‌وارگی و کالاگونگی زن در روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی است، بسیاری از بدعت‌های مخرب و تهاجمی از جمله ناموس و ناموس‌کشی را در فرهنگ منحط دینی رواج داده است.

۲. محرمیت که بیان اختصاصی بودن و یا کالائونگی زنان را در خود دارد؛ نشان از سلطه مردانه بر سرنوشت و تعیین هویت واقعی زنان در روابط و مناسبات اجتماعی می‌باشد. ناموس و ناموس‌پرستی نیز از بطن این حصار محصور برخاسته و زنان را در تاریک‌خانه ذهن و پندار بافی‌های عهد عتیق از زیستی معمول و متعارف بازداشته است. برای حفظ این محرمیت، تابوهایی شکل گرفته که حدود مناسبات اجتماعی و جنسی زنان را هویت می‌بخشد.

۳. مردسالاری به دلیل سابقه تاریخی‌اش، مرد را از اعتماد به نفس کافی و وافی و اتوریته (اقتدار) لازم برای اعمال و اجرای فرامین مردانه و اجبار و انقیاد زن در حریم محرمیت برخوردار کرده است. ولی زن به دلیل محرومیت و عدم استقلال لازم برای تصمیم‌گیری لازم حیات اجتماعی خویش از یک اعتماد به نفس کافی و یکپارچگی لازم برای دستیابی به حقوق حقه اقتصادی و اجتماعی بازمانده است.

۴. شاکله‌های ارزشی انسان‌ها بر معیار و مقیاس‌هایی استوار است که با ساختار غالب طبقاتی تعیین و تعریف می‌شوند. جایگاه انسان‌ها و نقشی که در پیشبرد اهداف اجتماعی بازی می‌کنند؛ به بسیاری از مؤلفه‌های زیست‌جمعی وابسته است که منافع طبقاتی انعکاس بارز و شفاف این مناسبات اجتماعی و انسانی می‌باشند. تفاوت و تمایز انسان‌ها چه اقتصادی و اجتماعی و چه جنسیتی از بطن تحجر و مصلحت‌اندیشی‌های طبقاتی برمی‌خیزند. مردسالاری به‌عنوان یک وفاق و میثاق مردانه در تأمین معیشت و تضمین حمایت و حراست حریم زنانه، محارم را در پستوی خانه و اندرونی محبوس و از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش بازداشته است. این بارزهای متحجرانه و غیرانسانی اگرچه در روند تکامل تاریخی تعدیل شده و زنان به برخی از حقوق انسانی خود نائل شده‌اند؛ ولی هنوز سود و سرمایه در پیوند با تحجر دینی همچنان زنان را در بن‌بست‌های زیستی نابرابر و نانسانی به بند کشیده‌اند.

### پاسخ

اینکه گفته شده است زن جزو ما یمَلک مرد حساب می‌شود یا اینکه زن، کالایی در دست مرد است، دروغ محض است و خلاف عمق تفکر اسلامی است بلکه در اسلام هر کدام از زن و مرد وظایف خاص خودشان را دارند. در اسلام اساس خانواده بر روی مسئولیت‌پذیری نهادینه شده است، مثلاً کارهای بیرون خانه با مرد است و کارهای داخل خانه با زن. زن و

مرد مطلق العنان (خودرأی) نیستند و باید به یکدیگر متعهد باشند و نیازهای جسمی و روحی خویش را تأمین نمایند.

نقطه مقابل تفکر اسلام، تفکر غرب درباره زن است که چنان او را به انحطاط کشیده که در خدمت تفکر سرمایه‌داری برای سود بیشتر قرار داده است. کالا‌گونگی زن، نتیجه تفکر غرب است، نه اسلام و چنان زن را نازل مرتبه قرارداد داده است که امروزه در خیابان‌های آمستردام هلند، زن‌ها را در ویتترین قراردادده‌اند تا مشتری آنها را خریداری کرده و عمل جنسی با او انجام دهد.

تحجر و عقب‌ماندگی درباره نگاه به زن، تهمتی ناروا و خلاف واقع است که به اسلام می‌زنند. درحالی که تفکر کثیف غرب خطرناک‌ترین خواب‌ها را برای زن دیده و سال‌هاست عملیاتی می‌کند ولی هیچ کس به ایشان حتی طعنه هم نمی‌زند بلکه برچسب مُد و به‌روز بودن را هم به این اقدامات می‌زنند.

تفکر کاپیتالیسمی (نظام سرمایه‌داری) همه انسان‌ها را در خدمت ثروت‌اندوزی یک عده مافیا قراردادده و این واقعیت امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست. تفکر سرمایه‌داری از زن به‌عنوان کالا برای جذب مشتری استفاده می‌کند، بدون اینکه اهمیتی به مقام زن قرارداده بلکه زن را در معرض دید روزانه مردم قرار می‌دهد بدون اینکه به دل آزرده‌گی زن اهمیتی بدهد.

مردسالاری و زن‌سالاری از نظر دین اسلام و آیات و روایات اسلامی مردود است و اسلام به شدت با آن مخالف است. این دو واژه، بسیار زننده است ولی با این وجود به طور چشمگیری در بین مردم کشور رواج یافته است. در تفکر اسلامی بر روی مسئله شایسته سالاری تأکید شده؛ زیرا جنسیت ملاک و معیار برتری انسان‌ها و یا زنان و مردان بر یکدیگر نیست.

امامان علیهم‌السلام حجت خدا بر مردم هستند و فاطمه زهرا علیها‌السلام به دلیل برخورداری از مقام والا و فضایل بی‌نظیر مادر امامان علیهم‌السلام و اسوه زنان و مردان است. وجود فاطمه زهرا علیها‌السلام می‌تواند به تمام شبهات، ذهنیات نادرست و کج فهمی‌های برخی افراد در مورد وجود نقصان در زنان پاسخ دهد و بر همگی آنها خط بطلان بکشد.

هرگونه اهانت به شخصیت والای زنان را از نظر دین اسلام مردود اعلام شده است و اهانت به مقام زن همچون اهانت به فاطمه زهرا علیها السلام و سایر زنان والامقام اسلام از جمله حضرت خدیجه، حضرت مریم، حضرت معصومه و حضرت زینب علیها السلام است. تبلور فضایل ارزنده‌ای از قبیل صبر، مقاومت، ایمان و صداقت در زنان به مراتب بیش از مردان است و این حقیقت در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای همگان مسلم شد. در هر زمان و یا موقعیتی که مسیر رشد، کمال و ترقی برای زنان ایران اسلامی فراهم شده، آنان توانسته‌اند در تمام زمینه‌ها پیشرفت چشمگیری کنند. محرم و نامحرم در اسلام، به‌هیچ‌وجه به معنای تنزل مقام زن نیست بلکه اتفاقاً به معنای اعتلای شخصیتی زن می‌باشد. بدین توضیح که: مقام زن به قدری ارزش دارد که به همین راحتی نباید هیچ مردی بتواند به او نزدیک شده و راحت با او حرف بزند. تفکیک بین محرم و نامحرم، موجب آرامش درونی زن و مرد خواهد بود و از مزاحمت‌های آزاردهنده جلوگیری می‌کند.

### شبهه پنجم

۱. قوانین زن‌ستیزانه در ایران سال‌هاست که به اجرا در می‌آیند. زنان در ایران بدون هیچ حمایتی از سوی قانون در معرض شدیدترین خشونت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه قرار دارند. اخبار زن‌کشی، دخترکشی و حتی در برخی موارد مادرکشی به‌صورت روزانه به رسانه‌ها می‌رسند. زنان همچنین در معرض مجازات اعدام برای «جرائمی» قرار دارند که قانون ارتکاب به آن‌ها را برای مردان جایز می‌شمرد.

۲. این قوانین به‌دست مردان نوشته شده و حکومت جمهوری اسلامی نیز با دستاویز قراردادن احکام تاریخ‌گذشته، عرف و شرع اسلام این حجم از خشونت و تبعیض را علیه زنان به‌کار می‌برد.

۳. اسلام زنان را جزو مایمَلک مردان می‌شمارد. زنان در جامعه اسلامی یا باید تابع مردان خود باشند و یا اگر بخواهند راه دیگری را با توسل به قانون برای دفاع از خود در پیش بگیرند در مسیری طولانی و سخت قرار خواهند گرفت و شانس برنده شدنشان بسیار محدود است.

## پاسخ

۱. اصل این شبهه اشکال دارد؛ چراکه تعبیر قوانین زن‌ستیزانه تعبیر صحیحی نیست و انصافاً واقعیتی ندارد بلکه قوانین مربوط به زنان در ایران براساس قوانین اسلام است که مطابق فطرت و غرایز زنانه است. در مقابل، حقوق غرب درباره زن است که چگونه زن را به انحطاط کشیده و از او ابزاری برای به‌دست آوردن ثروت استفاده می‌کند.

اخبار زن‌کشی و دخترکشی و... هیچ ارتباطی با قوانین مصوب ندارد بلکه ناشی از مشکلات روانی شخصی است که دست به قتل یک زن و یا مرد می‌زند و این اقدام، از اول تاریخ بشریت بوده و تا آخر هم خواهد بود. جنایت و خونریزی ناشی از خباثت و وحشی بودن درونی انسانهاست و اگر انسان از طریق صحیح و اصولی خودش فاصله بگیرد، نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت.

در اشکال گفته شد مجازات اعدام برای زنان تصویب شده در حالی که این، دروغ محض است. قوانین ایران مطابق قوانین شرع اسلام هیچ‌گونه مجازات اعدامی برای زن قرار نداده و هیچ‌وقت هم چنین مجازاتی اعمال نشده است.

۲. اینکه گفته شده است زن جزو ما یمَلک مرد حساب می‌شود، باطل محض است و خلاف تفکر اسلامی است بلکه در اسلام هر کدام از زن و مرد وظایف و جایگاه خاص خودشان را دارند. در اسلام اساس خانواده بر روی مسئولیت‌پذیری نهادینه شده است مثلاً کارهای بیرون خانه با مرد است و کارهای داخل خانه با زن. زن و مرد مطلق العنان نیستند و باید به یکدیگر متعهد باشند و نیازهای جسمی و روحی خویش را تأمین نمایند.

## شبهه ششم

۱. سر کردن چادر در هوای گرم بسیاری از شهرها (به لحاظ اقلیمی کشور ایران دارای آب و هوای گرم و خشک است) و هوای آلوده کلان شهرها در کنار زندگی محدود آپارتمانی و عدم دسترسی به فضای آزاد برای ورزش و تحرک، مانع رسیدن نور آفتاب و جذب ویتامین D شده و مجموع این عوامل باعث دردهای اسکلتی و استخوانی در میان زنان می‌شود. اغراق نیست اگر بگوییم این مسئله باعث کوتاهی قد و محدود شدن رشد قدی در میان دختر بچه‌هایی می‌شود که در سنین پایین مجبور به سر کردن چادر می‌شوند. این دخترکان

معصوم که اسیر ذهن بسته پدر و مادرهای ایدیولوژی‌زده خود هستند، از تحرك فیزیکی که باعث تحريك هورمون رشد و به‌ویژه رشد قدی محروم بوده و اکثرا در سنین نوجوانی و جوانی به لحاظ قد از هم سن و سال‌های خود عقب‌تر هستند.

۲. سر کردن چادر، روسری، مقنعه و شال و حرکات تکراری بازو، دست‌ها و انگشتان برای تنظیم این تکه پارچه به نحوی که موها پیدا نباشند، سبب نوعی تیک عصبی در میان زنان و دختران شده است. استفاده از کِش برای ثابت نگهداشتن چادر بر روی سر (عضوی مدور که پوشاندن آن آسان نیست) گردن و کل بدن را به عقب می‌راند و تکرار این حرکات مسلماً باعث تغییر در اسکلت بدن و دردهای استخوانی می‌شود. طی سال‌ها طراحان مد و لباس تلاش کرده‌اند تا با طراحی انواع حجاب و چادر (به‌عنوان مثال چادر ملی) اندکی از بار فشار بر زنان و دختران محجبه بکاهند اما تلاش‌های آنان همواره با مخالفت روبرو شده؛ چراکه سردمداران يك حکومت ایدیولوژی‌زده نمی‌خواهند بپذیرند که پوشش و لباس هم مثل خیلی چیزهای دیگر تابع متغیرهای بسیاری بوده و با توجه به شرایط روز باید متحول شوند.

۳. طرح فرزندآوری تکرار طرح مضحك و مخرب فرزندآوری در دهه شصت است که هدف آن «سربازآوری» برای لشکر اسلام در جنگ با کفار بود. متولدین این دهه هنوز هم از عواقب این طرح نابخردانه در رنج و عذاب هستند. اغلب متولدین این دهه بحران‌زده، خیل عظیم بیکارها، مجردها، مطلقه‌ها، مهاجران و پناه‌جویان را تشکیل می‌دهند.

### پاسخ

۱. مسئله حجاب، یک موضوع فراتر از نگاه ظاهری است و نمی‌توان با یک تحلیل ساده، مسئله حجاب را زیر سؤال برد. حجاب یک استراتژی بنیادین برای زن برای زندگی سالم در جامعه است. زندگی سالم مفهومی گسترده دارد و به صرف بیماری ظاهری تعبیر نمی‌شود؛ زندگی سالم؛ یعنی روح و جسم شخص در آرامش باشد. حجاب، تأمین‌کننده زندگی سالم برای زن است و مایه آرامش زن خواهد بود. آرامش یکی از احساسات اساسی و مهم‌ترین نیازهای انسانی است که تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی ما دارد. آرامش به‌عنوان یک حالت ذهنی و روانی که از تعادل داخلی و هماهنگی با محیط بیرونی برخوردار است، احساس می‌شود. این حالت از تعادل باعث می‌شود تا فرد قادر به مواجهه با چالش‌ها و مشکلات

زندگی باشد، بدون اینکه تحت فشار قرار گیرد یا احساس استرس و اضطراب کند.

۲. ادعای عدم تأمین ویتامین D برای افراد چادری، از لحاظ علمی هیچ پایه علمی ندارد و پزشکان متخصص چنین ادعایی را رد کرده‌اند و طبعا سخن متخصص فن حجت خواهد بود. دبیر اجرایی پنجمین همایش بین‌المللی بیماری‌های پوست درباره تأمین ویتامین D تصریح می‌کند: «بحثی مطرح شده بود که چادر و مقنعه می‌تواند باعث آرتروز و نرمی استخوان شود، ولی اگر پوست به اندازه یک کف دست، آفتاب بخورد، ویتامین D تأمین می‌شود».

۳. اگر ادعای مستشکل مبنی بر افسردگی و سالم نبودن زنان چادری درست باشد، باید همه خانم‌هایی که از اقسام رنگ‌های شاد در خارج از منزل استفاده می‌کنند و نظرها را به سوی خود خیره می‌سازند، از نظر روانی، سالم‌ترین زنان باشند؛ بر پایه این ادعا، جوامع غربی باید شاداب‌ترین و سالم‌ترین مردان و زنان را از نظر روحی و روانی داشته باشند و کمترین میزان مشکلات اخلاقی و خانوادگی، مانند طلاق و... را داشته باشند؛ حال آن‌که آمار و حقایق چیز دیگری را نشان می‌دهد و همه می‌دانند.

نتایج پژوهش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (oecd) نشان می‌دهد که مصرف داروهای ضد افسردگی توسط مردم در کشورهای ثروتمند به‌ویژه ایسلند، استرالیا و کانادا به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۱م. در ایسلند به‌طور متوسط در ازای هر یک هزار شهروند حدود ۱۰۰ دوز داروی ضد افسردگی تجویز شده است. این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی ۷۰ دوز بوده است.

در آلمان هم مصرف این داروها افزایش پیدا کرده است. در حالی که در سال ۲۰۰۰ میلادی به ازای هر هزار نفر شهروند ۲۰ دوز دارو تجویز شده، سال ۲۰۱۱ این رقم به ۵۰ دوز رسیده است. با این حساب آلمان با فاصله کمی زیر حد متوسط مصرف داروهای ضد افسردگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قرار دارد.

اسلام با شادی و نشاط مخالف نیست، بلکه شادی و نشاط و آرامش را با شاخص‌های معین و تعریف شده ارائه نموده است. از نظر اسلام نشاطی که از حرام و گناه نشأت گرفته باشد، نه تنها شادی نیست بلکه بن‌مایه اندوه، حسرت و عقوبت دنیوی و اخروی است.

در خصوص مسئلهٔ افسردگی نیز، دکتر برهانی متخصص اعصاب و روان، در هفته نامه ۱۹ دی، شماره ۱۵۵ (۱۳۸۱/۵/۲۸) چنین آورده است: «این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه، دلیل افسردگی است، کلاً سخن غلطی است و هیچ پایه علمی ندارد». به اعتقاد صاحب نظران، آفات و خطرات روحی و روانی ناشی از خود بی‌حجابی زنان و شکستن حریم‌ها - چه در روحیه زنان و چه مردان جامعه، و مخصوصاً جوانان آن جامعه - امری قطعی بوده، بسیار فراتر از این احتمالات است.

